خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۵ . ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۵۸

۴۵۴ هزار عدد مواد محترقه در پاکدشت و رامین کشف شد

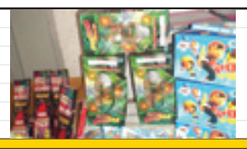

معاون هماهنگ کننده پلیس شرق استان تهران، از کشف ۴۵۴ هزار عدد انواع مواد محترقه در شهرستان پاکدشت خبر داد. سرهنگ سلمان آدینه‌وند، گفت: در پی کسب خبری مبنی بر دپوی انواع مواد محترقه، بررسی موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت. ماموران پس از تحقیقات وشناسایی محل، این انبار را تحت نظر قرار دادند و پس از اطمینان از صحت خبر در بازرسی موفق به کشف ۴۵۴ هزار و ۲۸۳ عدد انواع مواد محترقه غیر مجاز شدند.

از کار افتادن سیستم ناوبری و موتور ۲ پرواز تهران به قشم و مشهد به خیر گذشت

۴۵ دقیقه دور مرگ در آسمان تهران

سیستم ناوبری پرواز شماره ۴۰۸۵ هواپیمایی زاگرس از تهران به مقصد قشم روز گذشته ۱۵ دقیقه بعد از پرواز از کار افتاد و مسافران ۴۵ دقیقه در آسمان تهران سرگردان شدند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، هواپیما به دنبال بروز این مشکل به مدت ۴۵ دقیقه، در شرایطی نامتعادل تهران را دور زد و پس از خالی کردن باک خود دوباره در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست. خلبان پرواز علت نقص فنی این هواپیما را سن بالای آن عنوان و از مسافران عذرخواهی کرد. مسافران در زمان دریافت خبر داخل کابین هواپیما همچنان منتظر بودند تا از هواپیما پیاده شوند.

این در حالی بود که تعدادی از مسافران حال مناسبی نداشتند و به مراقبت های پزشکی احتیاج داشتند. در همین حال در یک اتفاق دیگر هواپیمای مسافربری ایران ایرتور در حالی از تهران به مقصد مشهد پرواز کرده بود که اندکی پس از پرواز با نقص فنی مواجه شد و یکی از دو موتور این هواپیما از کار افتاد. تابناک در خبری ساعت ۲۳ سه شنبه اعلام کرد هواپیمای مسافربری ایران ایرتور در حالی از تهران به مقصد مشهد پرواز کرده بود که اندکی پس از پرواز با نقص فنی همراه شد و یکی از دو موتور این هواپیما از کار افتاد. پس از وقوع این اتفاق، هواپیما به سرعت به فرودگاه مهرآباد بازگشت.

نقشه شوم ۴ تبهکار برای تصاحب اموال میلیاردی به زندان ختم شد

ماجرای ۲ ماه شکنجه پیرزن پولدار

سید خلیل سجادپور - ۴ تبهکار خطرناک که پیرزنی تنها را در خانه ای زندانی کرده و با شکنجه های سخت، وکالت بلاعزل برای فروش اموالش گرفته بودند با صدور دستورات ویژه قضایی و تلاش کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی دستگیر شدند که تحقیقات برای یافتن سرنخی از سرگم شده پیرزن مذکور ادامه دارد. به گزارش اختصاصی خراسان چند روز قبل کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با اطلاعاتی که از طریق یکی از مقامات قضایی مشهد در اختیار آنان قرار گرفته بود به سرنخ هایی دست یافتند که نشان می داد افرادی قصد دارند اموال یک پیرزن تنها را تصاحب کنند. یکی از منابع ومخبرانی که با دستور معاون دادستان مشهد راهی پلیس آگاهی شده بود از دستبرد به حساب بانکی پیرزن را نیز در حالی لو داد که فقط توانست هویت پیرزن را برای کارآگاهان فاش کند. ذهن کارآگاهان با شنیدن نام «اشرف» به پرونده ای متمرکز شد که تیرماه گذشته در دایره پرونده افراد مفقودی تشکیل شده بود! بلافاصله پرونده هایکی پس از دیگری ورق خورد تا این که نگاه کارآگاهان بر روی پرونده جوانی به نام «علی» خیره ماند. محتویات این پرونده نشان می داد پیرزنی به نام «اشرف» از گم شدن پسرش در خردادماه خبر داده وعنوان کرده است که از خودروی پراید او نیز هیچ اطلاعی ندارد اما از آن زمان به بعد دیگر کسی برای پیگیری پرونده فرد گم شده به پلیس آگاهی مراجعه نکرده است، این در حالی بود که پیرزن آدرس و مشخصات درستی نیز در پرونده اعلام نکرده بود! گزارش خراسان حاکی است: با توجه به محتویات این پرونده، احتمال درستی سخنان مخبر قوت گرفت و کارآگاهان در حالی که تصور می کردند می توانند آدرس مشخصی از پیرزن پیدا کنند با صدور دستورات ویژه قضایی وارد عمل شدند اما هیچ سرنخی جز شماره پلاک خودرو در پرونده موجود نبود. بررسی همین سرنخ موجب شد تا کارآگاهان به اطلاعاتی از فروش خودروی پراید در روزهای گذشته دست یابند. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در تشریح جزئیات این پرونده به خراسان گفت: پس از آن که تحقیقات ویژه ای درباره چگونگی فروش خودروی پراید انجام شد کارآگاهان با دستور قضایی عملیات گسترده اطلاعاتی را آغاز کردند و به سرنخ هایی از دخالت برادرزاده پیرزن در این ماجرا دست یافتند و از سوی دیگر نیز موفق شدند به آدرس پیرزن دسترسی پیدا کنند ولی پیرزن در محل سکونت خود نبود بنابراین پیگیری ها، کارآگاهان را به مکان دیگری در طبقه چهارم آپارتمانی در بولوار عبدالمطلب کشاند که متهمان پیرزن را به آن منزل اجاره ای منتقل کرده بودند. کارآگاهان وقتی وارد منزل شدند پیرزن را در بدترین شرایط یافتند که مورد شکنجه های خاصی قرار گرفته بود. در این منزل پسر جوانی که در حال نگهبانی از پیرزن بود دستگیر شد و کارآگاهان با شگردهای پلیسی، موفق شدند «مهدی» (برادرزاده) پیرزن را نیز به دام اندازند. سرهنگ کارآگاه «حمید رزمخواه» اضافه کرد: متهمان با خوراندن شربت متادون و قرص های خواب آور، پیرزن را معتاد و از حالت طبیعی خارج کرده بودند. وی گفت: پیرزن کارمندی بازنشسته و همسر یکی از پزشکان معروف مشهد بود که از همسرش جدا شده و اموال و ساختمان های گرانقیمتی را در تملک خودش داشت. این مقام ارشد انتظامی خاطرنشان کرد: بازجویی از ۲ متهم دستگیر شده در حالی پای پدر و پسر بنگاه دار را نیز به این پرونده وحشتناک کشاند که بررسی های بیشتر نشان داد آن ها حدود ۲۰ روز قبل پیرزن را در حالی که بر اثر مصرف داروهای مخدر و خواب آور گیج بوده به محضر ثبت اسناد و املاک برده اند و وکالت بلاعزل برای فروش اموالش را گرفته اند. این در حالی است که آن ها برخی از ساختمان های پیرزن را تخلیه کرده و اموال و لوازم آن را به مکان دیگری برده اند. سرهنگ «رزمخواه» افزود: طبق تحقیقات انجام شده، متهمان از حدود ۲ ماه قبل پیرزن را روی یک تخت و به طرز بسیار اسفباری نگهداری می کردند که بلافاصله وی با دستور قضایی و برای نگهداری و درمان به یکی از مراکز بهزیستی تحویل شد. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی ادامه داد: پس از آن که پرونده متهمان به شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارجاع شد، «قاضی میرزایی» با صدور دستورات قضایی خواستار ادامه روند تحقیقات در این پرونده شد و کارآگاهان به اسناد و مدارک پیرزن در منزل یکی از متهمان دست یافتند. این در حالی بود که برخی از اموال شخصی پسر پیرزن نیز که هم اکنون مفقود است در دست برادرزاده پیرزن است. وی تصریح کرد: بررسی های ویژه کارآگاهان با راهنمایی های قاضی میرزایی برای کشف زوایای پنهان این پرونده و مشخص شدن سرنوشت جوان گم شده ادامه دارد. سرهنگ رزمخواه گفت: پیرمرد بنگاه دار مدعی است که در یکی از مراکز ترک اعتیاد با برادرزاده پیرزن آشنا شده است و با همدستی یکدیگر این نقشه شوم را طراحی کرده اند. گزارش خراسان حاکی است: ۴ متهم این پرونده، روز گذشته پس از تفهیم اتهام آدم ربایی در شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به دستور مقام قضایی روانه زندان شدند تا تحقیقات درباره دیگر جرایم احتمالی آنان ادامه یابد.

کشف پیکر های جدید از شهدای جانفشان در روز هفتم آواربرداری و تعویق مراسم تشییع

آمدند روی دوش یاران...

محمد اکبری - دیروز در ویرانه های پلاسکو ولوله ای برپا بود. قهرمانان جانفشان یکی یکی بر دوش همکاران می آمدند و سیل اشک و حسرت نگاه بود که به پیشوازشان می رفت. در روز هفتم شهدای خارج شده از زیر آوار های ضلع شمالی پلاسکو به ۱۰ و تعداد کل شهدای آتش نشان به ۱۱ تن رسید و همچنان جست‌وجو برای یافتن ۵ شهید آتش نشان دیگر ادامه دارد.

به گزارش خراسان در حالی که تنها کمتر از ۱۵ درصد آوار پلاسکو در محل ریزش باقی مانده بود و عمده نخاله‌های ویرانه از منطقه خارج شده است با کشف پیکر «سه پروانه به آتش زده» در مرحله آوار برداری از ضلع شمالی کار جمع آوری آوار با دست و تفحص دقیق تر آغاز شد و به دنبال آن پیکر سوخته یک یک جانفشان های گمشده از دل ویرانه سر برون آورد و تعداد شهدای کشف شده را به ۱۱ عدد رساند. برخی گزارش ها حاکی است پیکر ها در محل یک راه پله پیدا شده اند.

پیکر هر یک از آتش نشان ها پس از کشف و خروج از زیر آوار ها در دستان دیگر آتش نشانان و امدادرسانان با فریاد لا اله الا...، یا حسین و... اکبر و همراه با بغض و اشک تا محل استقرار خودرو های ویژه حمل شهدا تشییع شد.

■ **حکایت ضلع شمال غربی پلاسکو**

با یافتن تعداد قابل ملاحظه ای شهید در ضلع شمالی ویرانه پلاسکو و معطوف شدن توجهات به این نقطه، کار آوار برداری و تفحص با دقت بیشتری در این ضلع ادامه دارد اما تجمیع شهدا در یک نقطه در حالی که طی شش روز گذشته انتظار می رفت به صورت پراکنده از زیر آوار کشف و بیرون کشیده شوند حکایت از این واقعیت دردناک دارد که امدادگران پس از ناامید شدن از خاموش کردن آتش و سالم ماندن ساختمان در آخرین لحظات سعی داشته اند با حضور در یک نقطه جان پناهی برای خود بیابند. ملکی سخنگوی آتش نشانی با اعلام این که سه تن از شهدای کشف شده به فاصله یک متر در کنار یکدیگر قرار داشتند، گفت: حجم آتش در قسمت شمال غربی ساختمان بوده که بیشتر محبوس شدگان نیز در این بخش هستند به همین خاطر در این قسمت و نقاط دیگر به جست‌وجو ادامه می دهیم. در همین حال از آنجایی که امید ها برای یافتن پیکر شهدای دیگر در این نقطه قوت گرفته است اکثر آتش نشان ها در آن نقطه حضور دارند و با وجود این که به دلیل دود آتش خفته زیر آوار، تنفس در این نقطه دشوار شده اما کار تفحص همچنان بدون وقفه ادامه دارد. این در حالی است که در ساختمان مجاور پلاسکو چند تونل حفر شده و از قسمت های مختلف تلاش می شود به پیکر شهدا دست یابند.

■ **تشخیص شهدا از طریق دی ان ای**

شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران نیز در جمع خبرنگاران گفت: از آنجایی که درجه حرارت زیر آوار بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ درجه سانتیگراد است، به همین دلیل تنها از طریق آزمایش DNA می توان کار تشخیص هویت را انجام داد.

■ **مراسم تشییع شهدا به تعویق افتاد**

همچنین به دنبال نتیجه بخشی تفحص در روز هفتم مجتبی عبداللهی مسئول ستاد برگزاری مراسم تشییع شهدای آتش نشان پلاسکو خبر از به تعویق افتادن مراسم تشییع و خاک سپاری شهدای پلاسکو داد. رئیس سازمان اجتماعی فرهنگی شهرداری گفت: با توجه به موافقت خانواده شهدا که در واقع درخواست داشتند این مراسم چند روزی به تعویق بیفتد تا مراسم تشییع باشکوه‌تر و با حضور پیکر همه شهدا باشد، مراسم تشییع پیکر شهدای آتش نشان در مقابل دانشگاه تهران برگزار می شود اما زمان جدید این مراسم متعاقبا اعلام خواهد شد.

■ **رسیدگی به پرونده پلاسکو بلافاصله پس از پایان آواربرداری**

به گزارش ایسنا سردار اشتری فرمانده ناجا با بیان این که رسیدگی کامل به حادثه پلاسکو و ابعاد مختلف آن بعد از کامل شدن آواربرداری و روشن شدن سرنوشت محبوسین انجام می شود، گفت: قطعا تمام علل دخیل در این حادثه به شکل کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته و اطلاع رسانی می شود. وی در خصوص بررسی علل وقوع حادثه پلاسکو نیز گفت: اطلاعات پلیس با اطلاعاتی که در صحنه رسیدگی مطرح و رسانه ای شده است، مطابقت دارد.

تنبیه بدنی دانش‌آموز در یکی از مدارس گرگان

معلم یکی از مدارس گرگان در پایه هفتم به دلیل ناراحتی ناشی از پاسخ ندادن دانش آموز به سوال ریاضی با زدن سیلی به صورت و چشم شاگردش آسیب زده است. مدیر روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش گلستان با تایید تنبیه بدنی یک دانش آموز نوجوان در یکی از مدارس گرگان گفت: موضوع تخلف معلم مربوطه باید مورد بررسی قرار گیرد تا امکان اظهارنظر دقیق فراهم باشد. قربانعلی بذرافشان روز گذشته در گفت‌وگو با ایرنا افزود: معلمان حق تنبیه بدنی دانش آموزان را ندارند و در صورت مشاهده یا تایید این موضوع با متخلف برخورد قانونی شدید خواهد شد. وی ابراز داشت: تنبیه دانش آموزان خلاف قانون و مقررات است و باعث نگرانی خانواده ها و حتی به نوعی تشویش اذهان جامعه می شود لذا آموزش و پرورش بدون اغماض و هیچ گونه گذشتی مطابق قانون با خاطیان رفتار خواهد کرد. بذرافشان با یادآوری تنبیه بدنی یک دانش آموز گرگانی گفت: بررسی این موضوع از روز سه شنبه در دستور کار معاونت مربوطه اداره آموزش و پرورش شهرستان قرار گرفته است. گفته می شود معلم یکی از مدارس گرگان در پایه هفتم به دلیل ناراحتی ناشی از پاسخ ندادن دانش آموز به سوال ریاضی با زدن سیلی به صورت و چشم شاگردش آسیب زده است.

معاون قوه قضائیه خبر داد:

رسیدگی به ۳ میلیون و ۴۵۰ هزار پرونده در شوراهای حل اختلاف کشور

توکلی- سال گذشته ۳ میلیون و ۴۵۰ هزار پرونده در شوراهای حل اختلاف کشور مورد رسیدگی قرار گرفت که از این تعداد، تنها ۱۶۰ هزار پرونده مورد اعتراض واقع شد و این نشان دهنده اتقان آرای این شوراهاست. معاون قوه قضائیه و رئیس شوراهای حل اختلاف کشور با بیان این که سال گذشته ۲۰ هزار رای شوراهای حل اختلاف نقض شده است، اظهار کرد: در مجموع سال گذشته ۳ میلیون و ۴۳۰ هزار پرونده پس از رسیدگی در شوراهای حل اختلاف از دادگستری خارج شده است که کمک بزرگی به شمار می رود. حجت الاسلام احمدی میانجی روز گذشته در دیدار با نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمان، افزود: پرونده های اختلافات بین دستگاه های دولتی از مواردی است که می تواند از دستگاه قضایی خارج شود. مقام عالی قضایی کشور با تاکید بر این که تولید پرونده در کشور بسیار زیاد است، گفت: باید یکسری پرونده ها را که ماهیت قضایی ندارند از دستگاه قضایی خارج کنیم. وی تصریح کرد: در پرونده های دشواری از جمله قتل های عمد و طایفه ای نیز به صلح و سازش رسیده ایم که نشان دهنده جایگاه موثر شوراهای حل اختلاف است.

سرقت ۸ کیلو زعفران با آبمیوه مسموم

زن جوانی که با همدستی ۴ نفر با خوراندن آبمیوه مسموم به زن جوانی دیگر، ۸ کیلوگرم زعفران را سرقت کرده بود، دستگیر شد. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی با اعلام این خبر گفت: با دریافت مرجوعه قضایی مبنی بر سرقت از منزلی در منطقه شهرک رجایی شهر مشهد، در بررسی اظهارات شاکی مشخص شد که وی پس از اتمام کار در ساعات پایانی شب برای استراحت به منزلش در انتهای خیابان شهید رجایی مراجعه کرده و در پی خواب عمیق همسرش و به هم ریختگی منزل متوجه سرقت ۸ کیلوگرم زعفران که تازه خریداری کرده بود، شد. به گزارش پایگاه خبری پلیس سرهنگ رزمخواه تصریح کرد: در بررسی اظهارات همسر شاکی مشخص شد زنی به نام مریم (۳۷ ساله) که از همسایه های مالباخته است، شب حادثه به وی آبمیوه مسموم تعارف کرده است. وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی با استفاده از اطلاعات به دست آمده متهم را دستگیر کردند که در بازجویی به سرقت ۸ کیلو زعفران به ارزش تقریبی ۵۶ میلیون تومان با همدستی سه مرد و یک زن اعتراف کرد. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی بیان داشت: در ادامه این عملیات، دیگر اعضای این باند دستگیر و زعفران مسروقه به مالباخته تحویل داده شد.

رمز ها و شگرد ها

داستان یک کلاهبرداری عجیب (۸)

وقتی کرکس ها بال باز می‌کنند...

دوباره لبخندی زد و دست به جیب کتش برد و یک بسته سیگار وینستون بیرون کشید.
اذیت نمی شین یک سیگار بکشم؟
ابدا. راحت باش آقا. لطفا ادامه بدین.
خوبه.
سیگارش را آتش زد و بعد از روی صندلی بلند شد و همانطور قدم زنان پک غلیظی به سیگار زد و ادامه داد:
هنوز اصل ماجرا مونده مهندس جان؛ این تازه شروع کاره. اون دو نفر هم برای خودشون وکیل می گیرن و طبق حکم دادگاه پیگیر شما میشن. ولی از اونجایی که روح شما هم از این ماجرا خبر نداره هیچ وقت هم نه نامه ای می بینی و نه احضاریه ای و نه هیچ چیز دیگه ای. این روال هم می گذره و با رای غیابی دادگاه و شواهد موجود، این حبیب آقا حرفش رو به کرسی می نشونه و صاحب قولنامه ای ملک شناخته میشه. در واقع توی یک همچین موقعیتی طرف دوم حق شکایت از کسی که ملک رو به دو نفر فروخته داره و لی مسلمه که این یک رُل از پیش تعیین شده بود و قولنامه هر کدوم که اعتبار لازم رو می گرفت مابقی ماجرا رو هم همون آدم جلو می برد. یک بازی بُرد-بُرد. مسخره نیست مهندس جان؟
خداااای من. یعنی باورم بشه یک همچین آدم هایی روی کره زمین پیدا می شن؟
تهرانی با اشتها پک غلیظ و کشدار دیگری به سیگارش زد و خاکسترش را در جاسیگاری ریخت و با نیشخند گفت:
والا من یکی که فکر کنم اگر خلاف ها همه این تیپی باشه که اصلا همه مون توی بهشت نشستیم و تازه کلی هم خاطره برای هم داریم تا بخندیم. خواستی بیا چند تا پرونده بهت نشون بدم تا از خلقت بنی بشر توعجب بمونی.
بگذریم؛ اما ادامه پرونده شما ... کجا بودم ... آهان؛ ماجرا تا اینجا پیش میره که قولنامه حبیب آقا میفته روی غلتک اما برای گرفتن وام هنوز یک چیز کم دارن و اون هم سند خونه است. پس حبیب آقا مجدد پا میشه و تشریف می بره دادگاه و شکایت دومی علیه شما تنظیم می کنه که "طبق این قولنامه، صاحب جدید ملک من هستم. ولی آقای پورحسینی نمیاد سند به نامم بزنه. جناب قاضی، خواهشا رسیدگی کنید!!!"
تهرانی به سمت میزش آمد و سیگار به نیمه رسیده اش را در جاسیگاری له کرد.
نمی دونم مهندس جان چقدر با روال دادگاه آشنا هستی. ولی این تیپ آدم ها اون رو خوب میشناسن و از همین راه هم تونستن شگردشون رو پیاده کنن.
توی این شرایط دادگاه برای طرف مقابل (منظورم شما هستی!) شروع می کنه به ارسال ابلاغیه تا طرف رو بیاره دادگاه و خیلی شیک و اتو کشیده ازش بپرسه "آقا؛ درد شما چیه که خونه رو به این بنده خدا فروختی اما نمیای سند به نامش بزنی تا برم وامش رو بگیره و بعد برم پی زندگی اش توی فرنگ"
البته مشخصه که نه ابلاغیه اول به دست شما می رسه و نه ابلاغیه دوم. درسته؟ **ادامه دارد...**

خط زرد

قاتل نامرئی (۱)
اهمیت مسمومیت با گاز منواکسید کربن

هر سال صد ها نفر در کشور بر اثر مسمومیت با گاز منو اکسید کربن جان خود را از دست می دهند. از آنجا که مردم از خطرات مسمومیت با منو اکسید کربن ورعایت نکات ایمنی آگاهی چندانی ندارند واز سوی دیگر هشدار ها راهم جدی نمی گیرند همه ساله با میزان مرگ و میر بالایی مواجه هستیم. منواکسید کربن به عنوان شیطان سیاه معروف است و آن را قاتل نامرئی می خوانند.
گاز منو اکسید کربن در اثر احتراق ناقص سوخت های فسیلی از جمله گاز طبیعی به وجود می آید. این گاز بدون رنگ، بوو مزه است و به همین دلیل به سادگی با حواس طبیعی انسان قابل تشخیص نیست. این گاز بسیار سمی و کشنده است و حتی مقادیر بسیار جزئی آن باعث مرگ انسان می شود. **دکتر علی پرهیزگار**

حادثه در قاب

قول شرف دانش‌آموزان یک دبستان درباره چهارشنبه‌سوری امسال در پی بروز حادثه پلاسکو

در امتداد تاریکی

راهی برای بازگشت ندارم!

این عشق سیاه در حالی زندگی ام را فنا کرد که دیگر همه پل های پشت سرم را خراب کرده و در مانده شده ام...
مرد ۳۸ ساله که خود را خبرنگار معرفی می کرد با بیان این که برای رسیدن به «لیدا» دیوانه وار همه سنت ها و اصول اخلاقی را زیر پا گذاشتم، به کارشناس اجتماعی کلانتری سناباد مشهد گفت: زمانی که روزهای آخر تحصیلاتم را در دانشکده علوم انسانی می گذراندم با «لیدا» آشنا شدم. او در دانشکده پزشکی تحصیل می کرد. من هیچ چیزی جز لیدا را نمی دیدم و او را تنها تکیه گاهی می دانستم که باید برای رسیدن به او همه چیز را فدا می کردم. با آن که خانواده ای مذهبی و پایبند به اصول اخلاقی و اسلامی داشتم اما همه سنت ها و آداب و رسوم جامعه را زیر پا گذاشتم تا با او ازدواج کنم. در این میان خانواده ام به شدت مخالف این ازدواج بودند و عنوان می کردند که اول باید تکلیف کارم مشخص شود. از سوی دیگر مادرم هم معتقد بود این گونه عاشقی ها دوامی نخواهد داشت.
در همین گیرودارها بود که لیدا به خواستگاری یکی از پزشکان هم دوره ای اش پاسخ مثبت داد و از من خواست دیگر با او ارتباطی نداشته باشم. با شنیدن این جمله روح و روانم به هم ریخت و به فردی پرخاشگر و افسرده تبدیل شدم. این افکار به هم ریخته و افسردگی های شدید به جایی رسید که در یک اقدام جنون آمیز دست به خودکشی زدم و تا چند قدمی مرگ پیش رفتم اما خانواده ام متوجه شدند و مرا از مرگ حتمی نجات دادند. مادرم که به شدت نگران وضعیت روحی من بود دختری باوقار و با کمالات را برایم انتخاب کرد و این گونه من و «سعیده» با یکدیگر ازدواج کردیم و برای آغاز زندگی مشترک راهی خارج از کشور شدیم. هنوز چند ان پایه های زندگی ام مستحکم نشده بود که خبر رسید نامزد لیدا در یک تصادف دلخراش فوت کرده است. با شنیدن این خبر بلافاصله به ایران آمدم تا او را برای ازدواج با خودم راضی کنم و لی لیدا از ازدواج من با سعیده را بهانه کرده بود و تلاش می کرد از من دوری کند. در همین اثنا سعیده با من تماس گرفت و با خوشحالی از بارداری بودنش خبر داد. مادرم که متوجه موضوع شده بود با نصیحت های دلسوزانه اش از من می خواست تا لیدا را رها کرده و نزد همسرم به خارج از کشور باز گردم اما گوش من بدهکار این حرف ها نبود و با وجود آن که از سوی خانواده ام طرد شدم باز هم به ارتباطم با لیدا ادامه دادم و او را به عقد خودم درآوردم. همه این ماجراها چند ماه طول کشید و هر بار که به خارج از کشور می رفتم پس از مدت کوتاهی با پرداخت مخارج همسرم دوباره به مشهد باز می گشتم. با آن که «لیدا» در مطب خودش مشغول طبابت بود ولی من سعی می کردم بیشتر اوقاتم را با او سپری کنم. در همین روزها بود که پسرم به دنیا آمد و من برای یک ماه به خارج از کشور رفتم. وقتی دوباره به ایران آمدم دیگر رفتارهای لیدا به طور کلی تغییر کرده بود و مرا آدم به حساب نمی آورد تا این که متوجه شدم در زمان هایی که من در خارج از کشور بودم او با یک پزشک دیگر ارتباط داشته است. وقتی این موضوع را فاش کردم لیدا با صراحت به داشتن رابطه با او معترف شد اما من در عین ناباوری او را بخشیدم تا به زندگی با من ادامه بدهد. در همین حال سعیده هم که متوجه ازدواج من با لیدا شده بود تقاضای طلاق کرد. من هم به پیشنهاد وسوسه های لیدا او را طلاق دادم تا شاید زندگی راحتی را در کنار لیدا داشته باشم اما وقتی همه پل های پشت سرم خراب شد تازه فهمیدم که لیدا هنوز با همان پزشک قبلی رابطه دارد در حالی که از شنیدن این موضوع بسیار خشمگین شده بودم، لیدا مرا از خانه اش بیرون انداخت و مهریه اش را به اجرا گذاشت. حالا هم با ناامیدی نزد خانواده ام باز گشتم تا...
ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

مشاور حرفه ای و با تجربه
مسلط به منطقه جهت فعالیت
در مسکن ۲۰۰۰ بلوار کوثر نیازمندیم
۰۹۱۵۳۱۵۲۳۰۰
۹۵۳۲۲۲۱۰/ب

مخصوص سیّد
حلیم
همه روزه بجز شنبه ها
نبش استقلال ۹
۳۶۰۷۷۷۳۹
۹۵۲۰۹۰۳۶/ل

جشنواره خرید البسکو
۲۵٪ تخفیف
البسکو، پوشاک خانواده
متفاوت خرید کنید...
تلفن روابط عمومی مشهد: ۸-۳۶۵۱۴۵۶۳-۰۵۱ تلفن روابط عمومی تهران: ۶-۶۶۷۱۱۷۸۵-۰۲۱
۹۵۳۲۲۶۸۹/ا